

موضوع: مسائل مستحدثه / تغییر جنسیت

جلسه بیستم، ۵ بهمن ۱۳۹۸

استاد سید احمد خاتمی

اگر پدر مادر شد و مادر پدر بشود؛ به عبارت دیگر زن و شوهر تغییر جنسیت بدهند حکم ارث آنها چیست؟ ارث می برند؟ و در صورت ارث بری چقدر ارث می برند؟ سه نظریه گفته شد.

نظریه اول - ارث می برند و ملاک ارث بری هنگام تولد آنها است. یعنی زید که با تغییر جنسیت هند شده است در ارث لحاظ تولد او که زید و مذکر متولد شده است لحاظ می گردد بنابراین یصدق علیه الاب و هکذا در جانب طرف مقابل که حین التولد کان مونثا فیصدق علیه الام.

نظریه دوم - به ملاک اقریبیت ارث می برند. اقرب بیشتر ارث می برد. اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله.

نظریه سوم - هیچ یک ارث نمی برند چون اب و ام بر هیچ یک صدق نمی کند. بر اب جدید اب صدق نمی کند. بخاطر اینکه الولد لم يتولد من مائه و زن تخمک داشته. و ام به زن فعلی صدق نمی کند چون بچه در شکم او نبوده.

استاد: اولاً- به نظر می رسد، نظریه سوم نادرست است. به هر حال ارث از این دو بیرون نیست و فرض اینکه اب و ام هستند. و گفته شود هیچ یک ارث نمی برند و وارث حاکم است. در این صورت متیقن خلاف واقع عمل شده است. ثانیاً- در ادله اب و ام وارد نشده بلکه والدین ذکر شده است و از این دو نفر خارج نیست چه قبل و بعد از تغییر جنسیت باشد یعنی قبل و بعد از تغییر جنسیت والدین هستند. به عبارت دیگر در هر حکمی بر عنوان آن متمرکز می شویم. عنوان والدین در روایات زیر آمده است

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ صَرَرٌ فِي الْمِيرَاثِ - الْوَالِدَانِ وَالزَّوْجُ وَالْمَرْأَةُ [1].

سند روایت:

علی بن ابراهیم روشن است. عبدالله بن المغیره کوفی ثقة ثقة لا يعدل به احد من جلالته ودینه و ورعه، کان واقفياً ثم رجع. این آدم بزرگ را جریان واقفی گرفت و بعد از آن برگشت. کم نداریم از این چهره ها که در برهه ای واقفی بودند بعد از آن برگشتند. اصحاب هم با برگشتن، آنها را تحویل گرفتند. این خود نکته ای است. انسان در معرض لغزش اگر کسی خطایی مرتکب بشود چوب حراج به او نمی زنند. مانند مختار بن ابی عبیده ثقفی که به عمومی

خود پیشنهاد داد امام حسن علیه السلام را تحویل معاویه بدهند. عموی او نپذیرفت این نقطه ضعف در زندگی مختار است. در کتاب سیمای حماسی امام سجاد علیه السلام اثبات کردم که قیام مختار با تایید مخفیانه بوده. در انتقام خون سید الشهداء کاری کرد که امام باقر علیه السلام در باره او فرمود: لاتسبوا المختار فانه قتل قتلتنا. بنابراین در برخی طرد کردن ها تامل کنیم. از جمله سلیمان بن صرد خزاعی که در جنگ جمل حاضر نشد ولی در جنگ صفین حاضر شد. و عبد الله بن جعفر به عنوان شوهر حضرت زینب سلام الله علیها که فرزندان او شهید شدند در کربلا حاضر نشد و مانند محمد بن حنفیه در کربلا حاضر نشد. عبدالله بن عباس نیز در کربلا حاضر نبود. هرکدام برای خود توجیهی دارند. ابن عباس نابینا بوده و محمد بن حنفیه مرد میدان رزم نبوده است امام حسین علیه السلام به فرمود در مدینه بماند خبر برای امام حسین بفرستد. این افراد کدام مخالفت نکردند. سلمنا که نقطه ضعفی داشته اند دلیل نمی شود بطور کلی طرد شوند. این رسم ائمه معصومین نبوده. بنابراین اگر کسی در برهه ای بلغزد و توبه نصوح بکند دوباره مورد احترام است مانند عبدالله بن المغیره که از اصحاب اجماع است کان واقفیا ثم رجع. اسحاق بن عمار ثقة و لکن کان فطحياً دربارہ رجوع او از فطحی گری او سخنی گفته نشده. اصله معتمد اصل او مورد اعتماد است. به روایت اسحاق اخذ می کنیم. نکته ای که باید توجه کرد اینکه فطحیه جریان انحرافی بودند و مکتب نبودند. در فروع فرقی با شیعه اثنی عشریه ندارند.

#### دلالت روایت

تعبیر به والدان کرده. اب و ام یا ابوان نگفته است والدان همین زید و هند که تغییر جنسیت داده اند. این روایت می گوید فی الجملة ارث می برند اما جقدر ارث می برند در مساله بعد مطرح می شود.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عَيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَاءِ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمُأْمُونِ قَالَ: وَلَا يَرِثُ مَعَ الْوَالِدِ وَالْوَالِدَيْنِ أَحَدٌ إِلَّا الزَّوْجُ وَالْمَرْأَةُ وَذُو السَّهْمِ أَحَقُّ مِمَّنْ لَا سَهْمَ لَهُ وَ لَيْسَتْ الْعَصْبَةُ مِنْ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ [2].

#### سند روایت

سند شیخ صدوق در عیون الاخبار به فضل بن شاذان مخدوش است. در این سند دو نفر هستند که فقط رضی شیخ صدوق درباره آنها هست. فضل بن شاذان حق زیادی بر شیعه دارد. مرقد او در شهر نیشاپور است

#### دلالت روایت

در این روایت نیز تعبیر به والدین شده. بنابراین نمی توان گفت ارث نمی برند چون اب و ام بر آنها صدق نمی کند. پس در ارث بری متمرکز در عنوان اب و ام نیستیم.

مطلب دیگر اینکه از قرآن استفاده می شود ملاک اقرابت الی المیت است. هرکدام بالفعل اقرب باشد ارث می برند

﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ [3]

در جاهلیت کالا بود و به ارث برده می شد اما اسلام او را ارث بر کرد. شاهد «والاقریون» است که یکی از مورث ها هستند پس ملاک اقرابت است. عطف اقریون به الوالدان در آیه عطف عام بر خاص است. مذکر مونث شده و مونث مذکر شده در تغییر جنسیت اقریون بر آنها صدق می کند. لام در «للرجال و للنساء» برای ملک است و رجال و نساء بر آنها بعد از تغییر جنسیت صادق است. در روایات نیز تکیه بر «اقریون» دارند و به عنوان ملاک دیده اند از آن روایات صحیحه احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی است.

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَ عَنِ ابْنِ بِنْتٍ وَ بِنْتِ ابْنٍ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا ع كَانَ لَا يَأْلُو أَنْ يُعْطِيَ الْمِيرَاثَ الْأَقْرَبَ قَالَ قُلْتُ: فَأَيُّهُمَا أَقْرَبُ قَالَ ابْنَةُ الْإِبْنِ [4].

سند روایت

احمد بن محمد بن ابی نصر کان خصیصاً بالرضا علیه السلام. از نوه دختری که پسر است و نوه پسری که دختر است سوال شده است ارث به کدامیک داده شود؟ امام علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام میراث را به اقرب می داد. و اقرب حاجب از ابعده می شد. به نوه پسر که دختر است داده می شود؛ چون اقرب است. پس ملاک اقرب است

وسائل الشیعة؛ ج ۲۶، ص: ۱۱۴

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع رَجُلٌ مَاتَ وَ تَرَكَ ابْنَةً ابْنَهُ وَ أَحَاهُ لِأَبِيهِ وَ أُمُّهُ لِمَنْ يَكُونُ الْمِيرَاثُ فَوَقَّعَ ع فِي ذَلِكَ الْمِيرَاثَ لِلْأَقْرَبِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ [5].

سند روایت

سند جناب صدوق به محمد بن حسن صفار صحیح است. محمد بن حسن صفار از اصحاب امام کاظم علیه السلام است.

نکته رجالی: شیخ صدوق ابتدا سندها در صدر روایات ذکر می کرد اما برای اینکه کتاب حجیم نشود سندها را از ابتدای روایات حذف کردند و مشیخه ذکر کرده است. مثلا احادیثی را که از محمد بن حسن صفار نقل کرده. سند آنها را در مشیخه ذکر کرده است. در کتاب جامع الرواة مشیخه تهذیب و من لا یحضره الفقیه شرح و تحقیق شده است. ولی متأسفانه چاپ جدید کتاب جامع الرواة فهرست ندارد در این کتاب درباره سند شیخ صدوق به محمد بن حسن صفار گفته صحیح است.

دلالت روایت

امام علیه السلام توقیع کرده اند میراث برای اقرب است. پس ملاک ارث اب و ابن نیست بلکه ملاک ارث اقربیت است

---

[1] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۶، ص ۷۷، أبواب موجبات الارث، باب ۷، ح ۲، ط آل البيت.

[2] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۶، ص ۸۳، أبواب موجبات الارث، باب ۷، ح ۱۵، ط آل البيت.

[3] نساء/سوره ۴، آیه ۷.

[4] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۶، ص ۱۱۳، أبواب موجبات الارث، باب ۷، ح ۹، ط آل البيت.

[5] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۶، ص ۱۱۴، أبواب موجبات الارث، باب ۸، ح ۱، ط آل البيت.